





کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و  
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیات  
فارسی

**عنوان پایان نامه**

**مولفه های غزل قلندرانه در غزلیات سنایی و عطار**

استاد راهنما:

دکتر حمید طاهری

نگارش:

شیرین قاسمی

بهمن ۱۳۸۸

## سپاس :

نگارنده بر خود واجب می داند :

از رهنمودها و تلاش های فاضلانهای جناب آقای دکتر « حمید طاهری » که راهنمای این پایان نامه بوده- اند، کمال تشکر را نماید. راهنمایی ایشان سعادت است که نصیب حقیر گردید در واقع، ایشان نه تنها، صاحب اندیشه های والا و نو آوری در عرصه ادبیات و زبانشناسی می باشند؛ بلکه، پیش از آن اسوهی والای فردی مشفق و صاحب معرفت هستند، از ایشان از صمیم قلب تشکر می کنم و توفیق روز افزونشان را، از درگاه الهی آرزومندم. نیز جناب آقای دکتر « وحید مبارک » با راهنمایی های عالمانه و ادیبانه خویش، در جهت غنای پایان نامه کوشیدند. ایشان با بزرگواری خارج از وصفی، در پیچاپیچ های این پژوهش، حقیر را، رهبری نمودند. بوکه، از درگاه الهی به پاداش اعمال حسنه خود، هرچه سریع تر وصول یابند. وجود این استادان است که عطش علمی، در نهاد علم جویان ایجاد می کند. و همچنین از تمام استادان فاضل و بزرگی چون دکتر « قهرمان شیری » ، دکتر « محمد ابراهیم مال میر » ، « دکتر غلامرضا سالمیان » ، سرکار خانم دکتر « سوسن جبری » و دیگر عزیزان سپاسگزاری می نمایم. و همچنین از جناب آقای دکتر «علی محمدی» که صیادوار از دریای دانش ایشان در مقطع کارشناسی مرواریدهای علم را صید کردم، سپاسگزارم.

تقدیم به :

**دیدمش در لحظه ای روییدن باغ از دل سبزترین فصل بهار**

**در چمنزار دل انگیز ترین زیبایی**

**بلکه او در همه ای زیبایی**

**همه جا پیدا بود**

مهربان مادری که بوی قلبش، آرام کننده‌ی آلامم و نگاه غریبش یادی از  
غربت و بی‌قراری آدمی در انتظار بهشت.

## چکیده

واژه‌ی « قلندر » ، هر چند از لحاظ ریشه، در هاله ای از ابهام قرار گرفته است؛ اما، از نظر تاریخ فرقه شناسی ادیان و مذاهب و سیر عرفانی، دارای دو رویکرد تاریخی و عرفانی است. اگرچه این واژه در کنار واژگانی چون : خرابات، می، گلخن، رند، قلّاش، کفر، بت، زَنار، نمونه ای از واژگان نامقدس و گویای فرهنگی ضد دینی است؛ اما، در شعر عارفانی همچون سنایی، عطار، مولانا و حافظ، دارای قداست معنایی می باشد.

قلندر، هر دو جهان را در ره جانان درمی بازد و از جان خویش نیز رها می‌شود و در کوی بی نشان عاشقی، فانی در ذات الهی می‌گردد. قلندران به عنوان چهره‌های انقلابی در کنار دیوانگان فرزانه، رندان و معان در جهت بازسازی آرمان شهری هستند که از فساد دینی و ریای حاکم بر آدمیان خبری نیست و آنچه قداست دارد، عدالت، مساوات و دین سالم به دور از تزویر است. سنایی و عطار، با وارد کردن مضامین و اندیشه های قلندران به درون غزلیات، طرح اندیشه هایی چون افکار مبارزه‌ی اجتماعی – سیاسی و عارفانه – عاشقانه را می افکنند.

بزرگان ادب یکی از انواع غزل را غزل قلندران دانسته‌اند. سعی نگارنده بر این بوده که شاخصه های زبانی، ادبی و فکری این نوع از غزل را در غزل‌های سنایی و عطار بیان کند.

پژوهش حاضر کوششی است در جهت تبیین چهره‌ی قلندران حقیقت در اشعار سنایی و عطار، بیان اندیشه و عاطفه- ی حاکم بر آن و بررسی زبانی – ادبی غزل های قلندران‌ی سنایی و عطار و بیان مولفه های شعرقلندری.

کلید واژه ها: مؤلفه – قلندر – غزل – سنایی – عطار – موسیقی – تصویر – اندیشه و عاطفه.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول: کلیات</b>
۵	۱-۱- قلندر .....
۸	۱-۱-۱ مؤسس قلندریه چه کسی بوده است؟ .....
۹	۱-۱-۲ آغاز پیدایش طریقه‌ی قلندری .....
۹	۱-۱-۳ قلندر کیست؟ .....
۱۰	۱-۱-۴ پاره‌ای از تعریف‌هایی که در مورد « قلندران » و « قلندریه » .....
۱۱	۱-۱-۵ جای باش قلندران .....
۱۴	۱-۱-۶ ارتباط قلندران با دیگر مکتب‌ها .....
۱۶	۱-۱-۷ فرق ملامتیان با قلندران .....
۱۷	۱-۲-۱ « عقلای مجانین » و رابطه‌ی آنها با « قلندران » .....
۱۸	۱-۲-۲ دیوانه کیست؟ .....
۲۱	۱-۳-۱ شعر عرفانی .....
۲۱	۱-۳-۲ سنایی و شعر عرفانی .....
۲۲	۱-۳-۳ بوسعید، وارث اشعار استادان پیشین .....
۲۲	۱-۴-۱ شکوفایی ادبیات قلندران .....
۲۳	۱-۴-۲ قلندرنامه‌ی انصاری .....
۲۴	۱-۴-۳ تعریف قلندریات .....
۲۴	۱-۴-۴ قلندر در شعر حکیم سنایی .....
۲۵	۱-۴-۵ قلندریات عطار .....
۲۵	۱-۴-۶ حکایت شیخ صنعان .....
۲۶	۱-۵-۱ قالبی برای قلندریات .....
۲۷	۱-۶-۱ ویژگی‌های غزل قلندرانه‌ی سنایی .....
۲۷	۱-۶-۲ عشق .....
۲۸	۱-۶-۳ آیین زردشت .....



- ۲۸-۱-۳- انتقاد اجتماعی ..... انتقاد اجتماعی ..... ۲۸
- ۲۹-۱-۴- خشم در انتقاد ..... خشم در انتقاد ..... ۲۹
- ۳۰-۱-۷- ویژگی های قلندریات عطار ..... ویژگی های قلندریات عطار ..... ۳۰
- ۳۱-۱-۸- مولوی و قلندران ..... مولوی و قلندران ..... ۳۱
- ۳۱-۱-۹- دیگر قلندر سرایان ..... دیگر قلندر سرایان ..... ۳۱
- ۳۲-۱-۱۰- فخر الدین عراقی ..... فخر الدین عراقی ..... ۳۲
- ۳۲-۱-۱۱- خواجه حافظ شیرازی ..... خواجه حافظ شیرازی ..... ۳۲
- ۳۳-۱-۱۲- آیا اشعار قلندری ریشه در سروده های نخستین خراباتیان نداشته است؟ ..... آیا اشعار قلندری ریشه در سروده های نخستین خراباتیان نداشته است؟ ..... ۳۳

### فصل دوم: نگاهی به زندگی، اندیشه‌ها و سبک ادبی دو قلندر سرا (سنایی و عطار)

- ۳۶-۱-۲- نام، کنیت، تخلص، سال تولد و وفات سنایی غزنوی ..... نام، کنیت، تخلص، سال تولد و وفات سنایی غزنوی ..... ۳۶
- ۳۷-۱-۱-۲- آغاز کار شاعری و انقلاب روحی ..... آغاز کار شاعری و انقلاب روحی ..... ۳۷
- ۳۸-۱-۲- خاندان سنایی ..... خاندان سنایی ..... ۳۸
- ۳۸-۱-۳- زادگاه حکیم ..... زادگاه حکیم ..... ۳۸
- ۳۸-۱-۴- شخصیت سنایی ..... شخصیت سنایی ..... ۳۸
- ۳۹-۱-۲- سفرهای حکیم ..... سفرهای حکیم ..... ۳۹
- ۳۹-۱-۳- مذهب سنایی ..... مذهب سنایی ..... ۳۹
- ۴۰-۱-۲- شعر و سنایی ..... شعر و سنایی ..... ۴۰
- ۴۱-۱-۲- سیمای جامعه‌ی سنایی ..... سیمای جامعه‌ی سنایی ..... ۴۱
- ۴۲-۱-۲- مراد حکیم غزنه ..... مراد حکیم غزنه ..... ۴۲
- ۴۳-۱-۲- کلیات سنایی و مضامین و موضوعات شعری ..... کلیات سنایی و مضامین و موضوعات شعری ..... ۴۳
- ۴۳-۱-۲- ویژگی های زبانی در شعر سنایی ..... ویژگی های زبانی در شعر سنایی ..... ۴۳
- ۴۴-۱-۲- دیدگاه فکری ..... دیدگاه فکری ..... ۴۴
- ۴۵-۱-۲- دیدگاه ادبی در آثار سنایی ..... دیدگاه ادبی در آثار سنایی ..... ۴۵
- ۴۶-۱-۲- آثار سنایی ..... آثار سنایی ..... ۴۶
- ۴۸-۲-۲- نام، کنیه و القاب عطار ..... نام، کنیه و القاب عطار ..... ۴۸
- ۴۸-۲-۲- تاریخ ولادت ..... تاریخ ولادت ..... ۴۸
- ۴۸-۲-۲- مکان تولد ..... مکان تولد ..... ۴۸
- ۴۹-۲-۳- زندگی و پیشه‌ی عطار ..... زندگی و پیشه‌ی عطار ..... ۴۹
- ۴۹-۲-۴- مراد شیخ نیشابور ..... مراد شیخ نیشابور ..... ۴۹
- ۵۰-۲-۵- مذهب عطار ..... مذهب عطار ..... ۵۰

۵۱	۲-۲-۶- اوضاع اجتماعی روزگار عطار.....
۵۱	۲-۲-۷- تصوف شیخ درد طلب.....
۵۲	۲-۲-۸- عطار و شاعری.....
۵۳	۲-۲-۹- ویژگی های زبان شعر عطار .....
۵۳	۲-۲-۱۰- دیدگاه فکری عطار.....
۵۴	۲-۲-۱۱- جنبه های ادبی و صور خیال در شعر عطار .....
۵۵	۲-۲-۱۲- آثار عطار.....
۵۶	۲-۲-۱۳- قتل عطار .....
۵۷	۲-۲-۱۴- تاریخ وفات عطار:.....
۵۷	۲-۲-۱۴- مکان شهادت.....

### فصل سوم: مولفه های زبانشناختی غزل های قلندرانهای سنایی و عطار

۵۸	۳-۱- مؤلفه های زبانی قلندریات سنایی.....
۵۹	۳-۱-۱- موسیقی بیرونی (وزن عروضی) .....
۶۹	۳-۱-۲- تقسیم بندی اوزان از لحاظ موسیقایی.....
۶۹	۳-۱-۳- روانشناسی اوزان به کار رفته در قلندریات سنایی.....
۷۸	۳-۲- موسیقی کناری.....
۷۸	۳-۲-۱- قافیه .....
۷۹	۳-۲-۲- قافیه در قلندریات سنایی.....
۸۲	۳-۲-۳- ردیف.....
۸۲	۳-۲-۴- گونه های ردیف.....
۸۳	۳-۲-۵- موسیقی ردیف در قلندریات سنایی.....
۸۷	۳-۲-۶- تناسب معنایی ردیف در ارتباط با قافیه.....
۸۹	۳-۳- موسیقی درونی.....
۸۹	۳-۳-۱ (الف) سجع : (Homeoteleuton).....
۹۲	۳-۳-۲ جناس : (Paronomasia, pun).....
۹۵	۳-۳-۳ تکرار (Repetition) .....
۱۰۹	۳-۴- موسیقی بیرونی (وزن عروضی) در غزلیات قلندرانهای عطار.....
۱۱۷	۳-۴-۱- تحلیل روانشناسی وزن در غزل های قلندرانهای عطار.....
۱۲۶	۳-۵- موسیقی کناری.....

۱۲۶	۱-۵-۳- قافیه
۱۲۹	۳-۵-۲- ردیف
۱۳۲	۳-۶- موسیقی درونی غزل های قلندرانهای عطار
۱۳۲	۳-۶-۱- سجع
۱۳۳	۳-۶-۲- جناس
۱۳۵	۳-۶-۳- موسیقی صامت ها و مصوت ها
۱۴۴	۳-۷- آرگانومی در شعر قلندرانهای عطا ر
۱۴۸	۳-۸- سطح لغوی (Lexical)
۱۴۸	۳-۸-۱- ریشه‌ی واژگان
۱۵۹	۳-۹- ریشه‌ی واژه های غزل های قلندرانهای عطار
۱۶۴	۳-۱۰- سطح نحوی (syntactical) در غزل های قلندرانهای عطار
۱۶۷	۳-۱۰-۱- بررسی فعل در جمله های غزل قلندری
۱۷۱	۳-۱۱- سطح نحوی در غزلیات قلندرانهای عطار

**فصل چهارم: زیبایی شناسی غزل قلندری ( تحلیل روانشناسی و جامعه شناسی غزل قلندری سنایی و عطار)**

۱۷۷	۴-۱- بررسی زیبایی شناسی شعر قلندری در غزل های سنایی غزنوی
۱۸۹	۴-۱-۱- آرایه های بدیعی در غزلیات قلندرانهای سنایی
۲۰۰	۴-۲- زیبایی شناسی غزل های قلندرانهای عطار
۲۱۰	۴-۲-۱- آرایه های بدیعی
۲۲۴	۴-۳- تحلیل زیبایی شناسانه و روان شناسی آرایه های ادبی غزلیات قلندرانهای هر دو شاعر
۲۲۴	۴-۳-۱- موسیقی
۲۲۷	۴-۳-۲- صور خیال

**فصل پنجم: مولفه‌های مضمون، اندیشه و عاطفه در غزل‌های قلندرانهای شوریده‌ی غزنه و شیخ درد طلب**

۲۳۴	۵-۱- مضامین قلندرانهای
۲۳۴	۵-۱-۱- در غزل‌های قلندرانهای سنایی
۲۴۰	۵-۱-۲- مضامین قلندرانهای در غزلیات عطار
۲۴۵	۵-۲- سطح فکری

۲۴۵.....مؤلفه‌های فکری سنایی.....۱-۲-۵

۲۴۸.....اندیشه‌ی عطار.....۲-۲-۵

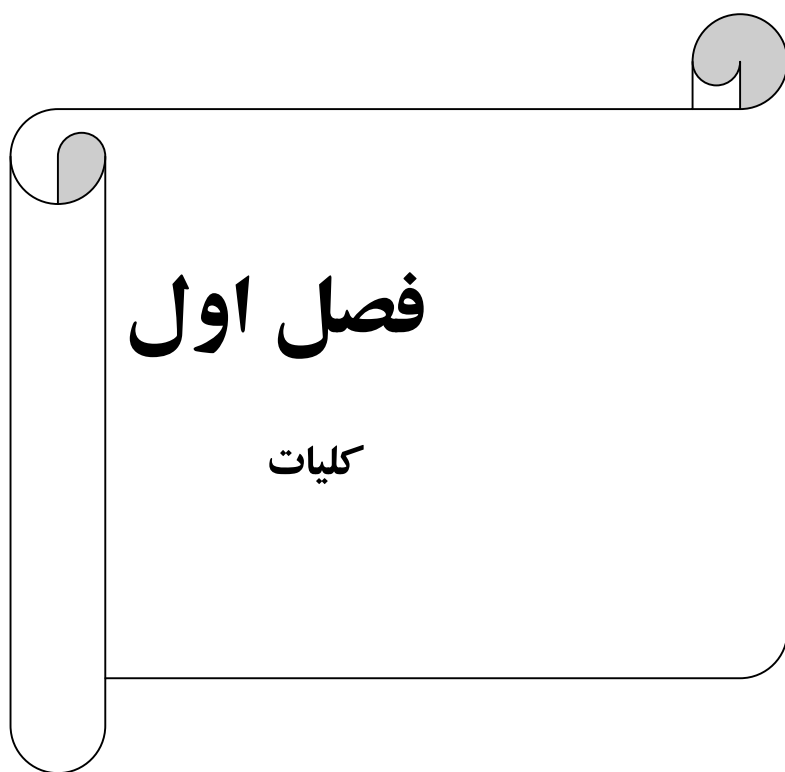
۲۴۹.....معشوق اشعار قلندرانه‌ی عطار کیست؟.....۳-۲-۵

۲۵۲.....مؤلفه‌ی عاطفه و احساس در قلندریات سنایی و عطار.....۳-۵

#### فصل ششم: نتیجه

۲۵۶.....نتیجه‌گیری :.....۱-۶

۲۵۸.....فهرست منابع و مآخذ.....۲۵۸



## مقدمه

موضوع پایان نامه « مؤلفه‌های غزل قلندران، در غزلیات سنایی و عطار » است. بیان مؤلفه‌های زبانی، فکری، ادبی و عاطفی، از جمله مواردی است که مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از مسائلی که پیوسته در شعر فارسی به ویژه غزل مطرح است، وجود مضامین قلندری است. نقش برجسته‌ی سنایی به عنوان پیشگام شعر عرفانی در تحول غزل، باعث گردیده است که مورد توجه شاعران پس از خود قرار گیرد. در غزل‌های قلندران‌ی سنایی، سرگذشت یا واقعه‌ای به تصویر کشیده می‌شود که جوهر زندگی یک عارف است و این نمونه را در بخش **غزل‌های قلندری عطار**، می‌توان مشاهده کرد.

غزل عطار با اوجی معنوی همراه است، به همین سبب، در شعر شاعران پس از وی به ویژه مولانا، بسیار مؤثر واقع می‌شود. نگارنده بر آن است تا ضمن پرداختن به اندیشه‌های قلندران و دلایل نفوذ این مضامین به درون غزلیات سنایی و عطار و نیز بیان شاخصه‌های غزل‌های قلندران‌ی این دو شاعر به بررسی زبان و تعبیر غزلیات قلندران نسبت به دیگر انواع شعر بپردازد.

### پیشینه‌ی تحقیق:

درباره‌ی قلندر و اندیشه‌های آنها، « جامی » در « نفحات الانس »، « سهروردی در « عوارف المعارف »، مطالبی ذکر کرده اند. « واحدی ترک » در رساله‌ی « خواجه‌ی جان و سرور جهان »، از آنها سخن گفته است و « خطیب فارسی » قلندران‌ی را که ذکر مناقب « شیخ جمال‌الدین ساوه ای » است به نظم کشیده. دکتر « جواد برومند سعید »، کتابی به نام « آیین قلندران » نوشته است و در برخی کتب و مقالات نیز اشاراتی شده از جمله « فروزانفر »، « شرح مثنوی شریف »، « خزائلی » در شرح « گلستان سعدی »، « زرین کوب » در « جست و جو در تصوف ایران » و « مقاله‌ی اهل ملامت و راه قلندر »، « قاسم غنی » در « تاریخ تصوف » به معرفی قلندران و اندیشه‌های آنان پرداخته اند. « شفیعی کدکنی »، در کتاب « قلندریه در تاریخ » سیمای قلندران واقعی و عرفانی را روشن نموده است. نیز، ایشان در دو کتاب « زبور پارسی » و « اقلیم روشنایی » به این مضامین و اندیشه‌ها پرداخته است. « داریوش صبور » در « آفاق غزل فارسی » و « سیروس

شمیسا»، در «سیر غزل در شعر فارسی»، یکی از انواع غزل را **غزل قلندرانه** معرفی کرده اند. «محمد معین» در کتاب نفیس خود «مزد یسنا» به اصطلاحات و واژگان ادبیات مغانه و «همایون فرخ» در کتاب «حافظ خراباتی» در بخشی به نام «ادبیات خراباتی» به آنها پرداخته است. دکتر «منوچهر مرتضوی»، در «مکتب حافظ»، اندیشه‌های قلندری حافظ را بررسی کرده و از محققان خارجی، «دوبرین»، استاد دانشگاه «لیدن هلند»، به اندیشه‌های قلندری پرداخته است. نیز «رضا اشرف زاده»، در مقاله ای سیر تحول واژه‌ی قلندر در اشعار عطار را بررسی کرده است. در جست و جوی اینترنتی سایت پژوهشی پایان نامه‌ها، پایان نامه‌ای تحت عنوان «توصیف مضامین قلندری در غزل فارسی (سنایی، عطار، مولوی، عراقی و حافظ)» وجود داشت. در این پایان نامه فقط به بررسی مضامین قلندری پرداخته شده بود.

### پژوهش موارد زیر، از اهداف پایان نامه می‌باشد:

- ۱- بررسی اینکه سنایی به عنوان منتقد اجتماعی عصر خویش، از مفاهیم مطرود شریعت در غزلیات قلندرانه استفاده کرده است. عطار نیز، با به کار بردن آنها نمودهای تلخ واقعیت را بیان می‌کند.
  - ۲- هر دو شاعر از مضامین کلی قلندریات در غزل خویش بهره برده اند، این نکته که شاخصه‌های قلندرانه در غزل کدام یک از این دو شاعر بزرگ برجسته تر می‌باشد، یکی از اهداف پایان نامه است.
  - ۳- بررسی زبان، تعبیر، ترکیبات غزل قلندرانه در مقایسه با دیگر انواع شعر.
  - ۴- بررسی جایگاه اعتراض به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی غزل قلندرانه.
  - ۵- پرداختن به نقش عقلای مجانبین در شعر عطار و رابطه‌ی این قشر با اندیشه‌های قلندرانه.
  - ۶- بررسی تأثیر سنایی از سرودهای خراباتیان در مضامین غزل قلندرانه اش.
- با توجه به این که تاکنون کار مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است، این پایان نامه، کوششی است در جهت شناخت اندیشه‌ها و مبانی فکری قلندران، دلایل نفوذ اندیشه‌های آنها در غزل سنایی و عطار، شناخت ویژگی‌های غزل قلندری و توصیف این مضامین بر اساس غزلیات سنایی و عطار. امید است که به عنوان منبعی غنی و مستقل در اختیار دانش پژوهان، محققان و طالبان علم قرار گیرد.

تحقیق حاضر، در جهت پاسخ گویی به **سؤالات** زیر نیز می‌باشد:

- ۱- چه عواملی باعث نفوذ اندیشه‌های قلندری، در شعر سنایی و عطار شده است؟
- ۲- آیا غزل‌های قلندرانه‌ی سنایی، ریشه در سرودهای مستان دُردآشام خرابات‌نشین نداشته است؟ در بستر پژوهشی پایان نامه، **فرضیات** زیر نیز، پرورده شده است:
- ۱- زبان، تصاویر، اصطلاحات و درون مایه‌ی غزل‌های قلندرانه با انواع دیگر شعری تفاوت دارد.
- ۲- دیوانگان فرزانه (عقلای مجانبین)، به عنوان تازندگان بر نابرابری‌های اجتماعی با قلندران جامعه ستیز، برابrand و مشابهاتی دارند.

**روش تحقیق** به شکل کتابخانه‌ای بوده است؛ یعنی، مراجعه‌ی مداوم به کتب گوناگون از کتب پیشینیان تا کتاب‌های امروزی نوشته شده در مورد این موضوع و رجوع به نشریات و مقاله‌های مختلف پژوهشی. نوع مطالعه و روش‌های بررسی فرضیه‌ها و پاسخگویی به سؤالات به شکل توصیفی، تحلیل محتوا و اسنادی می‌باشد و دربرگیرنده‌ی شش فصل است.

در **فصل اول** به ریشه‌ی واژه‌ی قلندر، تعریف‌هایی که پیرامون آن در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها شده، نظر اندیشمندان و بزرگان ادب در مورد این واژه، شناساندن قلندران و بررسی افکار و اندیشه‌های آنها، توجه به سیر تاریخی این فرقه و نگرشی بر جنبه‌های عرفانی آنها در آثار شعرای عارفی چون سنایی و عطار، مولانا، عراقی و حافظ، ارتباط آنها با فرقه‌ی ملامتیه، آیین‌های ایران باستان چون زردشتی، مانوی، و آیین بودا، مقایسه‌ی آنها با گروه «صعاليك جاهليت»، فرقه‌ی خاکسار و فتوت و آیین عیسوی پرداخته شده است. که در خلال این فصل دو فرضیه پرورش یافته است، نخست از مقایسه‌ی قلندران با «عقلای مجانین»، ثابت شد که هر دو گروه به عنوان تازندگان بر نابرابری‌های اجتماعی و فسادهای دینی می‌کوشیده‌اند و با بحثی که در مورد شعر عرفانی و رشد ادبیات خراباتی پیش از سنایی شد، فرضیه‌ی ششم، که مبتنی بر تأثیرپذیری سنایی از سروده‌های خراباتیان به خصوص رباعی‌هایی که از زبان «ابوسعید ابوالخیر» در اسرار التوحید ذکر شده است، روشن می‌شود.

در **فصل دوم** که شامل دو بخش است، در بخش اول به زندگی، آثار، اندیشه‌ها و سبک‌زبانی - ادبی سنایی پرداخته شده است که این روند در بخش دوم در مورد عطار، تکرار می‌شود.

**فصل سوم** پایان‌نامه، دربرگیرنده‌ی مؤلفه‌های زبانی است که این فصل به دو بخش تقسیم شده است. در بخش اول مؤلفه‌های زبانی سنایی، مورد بررسی قرار گرفته است و این مؤلفه‌ها در سه سطح آوایی، لغوی و نحوی، بررسی شده که سطح آوایی خود به سه سطح خردتر؛ یعنی، بررسی موسیقی بیرونی (وزن عروضی)، موسیقی کناری (بررسی موسیقی قافیه و ردیف) و موسیقی درونی (بررسی هر مناسبت لفظی که ایجاد موسیقی کند چون تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها، سجع و جناس) تقسیم شده است. سپس نگارنده به تحلیل زیبایی‌شناسانه، روانشناسانه و بسامد هر یک از سطوح فوق پرداخته و در بخش دوم، بررسی این مؤلفه‌ها در غزل‌های قلندران عطار نیز، صورت گرفته است.

در **فصل چهارم**، صور خیال و آرایه‌های ادبی و تحلیل روانشناسی آنها مبتنی بر زیبایی‌آفرینی هر یک از آرایه‌های فوق و ارائه‌ی بسامد در مورد صور خیال غزل‌های قلندری هر دو شاعر، در دو بخش مجزا، پژوهش شده است.

**فصل پنجم** را، نگارنده به بررسی و تحلیل مضامین، افکار و عاطفه‌های دو شاعر اختصاص داده است. در بخش اول که شامل «مضامین شعری» هر دو شاعر می‌شود، به بیان این مضامین و بسامد آنها پرداخته است.



بخش دوم، شامل: اندیشه های قلندری سنایی و عطار و تحلیل این اندیشه ها و بخش سوم، مبتنی برعاطفه های شعری هر دو شاعر و تحلیل روانشناختی شخصیت آنها است.

و در **فصل پنجم** نتایج تحقیق آورده شده است. سرانجام با معرفی **منابع و مآخذ** پایان نامه به اتمام می-رسد.

امید است، این پایان نامه، به عنوان منبعی غنی و مستقل در اختیار دانش پژوهان و ادب دوستان بوستان علم و دانش قرار گیرد و از همه ی بزرگواران خواستارم، نارسایی ها و کمبودهای آن را به دیده ی اغماض فروپوشند.

« از کفر نمی دانم که چه فهم می کنی، کفرها بسیار است؛ زیرا، که منزل های سالک بسیار است. کفر و ایمان هر ساعت رونده را شرط و لازم باشد، چنانکه سالک خبری دارد و هنوز خود را چیزی باشد، از دست راه زن «الْأَضِلَّاتُ» خلاص نیابد.

دریغا! هرگز در کفر مُغ شده ای، تا در این مقام، کفر باکمال یافته باشی، تا همگی تو این بیتها گوید:

ای کفر، مغان از تو جمالی دارند      وز حسن تو بی نشان کمالی دارند  
کافر نشوند که کفر راهی دورست      از کفر دریغا که خیالی دارند

عين القضاة

## ۱-۲- قلندر<sup>۱</sup> :

هنوز پژوهشگران به نظر منسجم و واحدی پیرامون ریشه ی واژه ی قلندر، نرسیده اند و هر کس از ظن خود یار یافتن دریچه ای در مورد این واژه، گردیده است. نگارنده ابتدا به توضیحات بزرگان ادب، در مورد ریشه ی این واژه پرداخته است. ریشه و اشتقاق لفظ « قلندر » معلوم نیست و درباره ی آن، احتمالات بسیار داده اند. سابقه ی استعمال لفظ « قلندر » قدیمتر از شهرت فرقه ی مخصوص قلندریه است. از اوایل قرن ( ۵ م ) در شعر فارسی به کار رفته است. بعضی از صوفیه و شعرا به نام و عنوان قلندر مشهور بوده اند و در شعر و ادب فارسی لفظ « قلندر » مکرر آمده است ... ، شواهد بسیار نشان می دهد کلمه ی قلندر، به معنی مکان این فرقه بوده و افراد را، « قلندری » می گفته اند، نه قلندر. از قرن « ۶ م / هـ ق » ، به بعد کلمه ی قلندر به معنی مکان به کار رفته است. (مصاحب، جلد ۲، بخش ۱، ص: ۲۵۷۹) قلندر، یکی از واژه هایی است که ریشه ی آن، به درستی و وضوح مشخص نشده است. کاربرد آن در آثار زبان فارسی به گونه ای است که از ریشه و ساخت آن تقریباً نمی توان شناخت درستی به دست آورد. پاره ای از تعریف هایی را که فرهنگ ها، در مورد این واژه ارائه کرده اند، بیان می کنیم.

<sup>1</sup> Qalandar

مولف « تاج العروس » نوشته است: « لقب جماعه‌ی من قدماء الشيوخ العجم و لا ادري معناه، لقب گروهی از بزرگان پیشین ایران بود و معنی آن بر من معلوم نیست. » (برومند سعید، ۱۳۸۴، ص: ۱۱)

« نفیسی » می‌گوید: « قلندر، شخص مجرد بی قید در پوشاک و خوراک و طاعات و عبادات که انزوا اختیار کند ... » (نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۴، ص: ۲۷۰۲)

در برهان قاطع آمده است، « قلندر، بروزن سمندر، عبارت از ذاتی است که از نقوش و اشکال عادت‌ی و آمال بی سعادت‌ی مجرد و با صفا گشته باشد و به مرتبه‌ی روح ترقی کرده و از قیود تکلفات رسمی و تعریفات اسمی خلاص یافته و دامن وجود خود را از همه درچیده و از همه دست کشیده، بدل و جان از همه بریده و طالب جمال و جلال حق شده و بدان حضرت رسیده، و اگر ذره‌ای به کونین و اهل آن میلی داشته باشد از اهل غرور است نه قلندر ... » (محمد حسین بن خلف تبریزی، ۱۳۷۶، صص: ۱-۱۵۴۰)

مؤلفان فرهنگ‌ها، بر آنند که این کلمه معرب یا مبدل « کلندر = کلندره » (چوب‌کنده و ناتراشیده، مردم ناهموار و ناتراشیده) است، « رشیدی »: « کلندر »، « آندراج »: « قلندر »، « فرهنگ نظام »: « قلندر - قلندر »، « دسائی » وجه تسمیه‌ی آن را، به علت انتساب به مؤسس فرقه، موسوم به شیخ قرن‌دل داند ... » (پیشین)

در « فرهنگ بزرگ سخن » می‌خوانیم که « قلندر »: « ۱- هر یک از افراد قلندریه، فرقه‌ای از صوفیه که به دنیا، بی توجه و نسبت به آداب و رسوم و طاعات بی قید بوده‌اند ... ۲- بی قید نسبت به آداب اجتماعی؛ لا ابالی ... » و این بیت « سعدی » را به عنوان شاهد مثال نقل می‌کند: پسرکوه، میان قلندر نشست / پدرگو، ز خیرش فرو شوی دست. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص: ۵۵۸۳)

« مصفا »، در فرهنگ « ده هزار واژه از دیوان حافظ »، در مورد این واژه می‌نویسد: « قلندر: ا.ص. (به فتح قاف و لام)، درویش، مرد مجرد بی قید از دنیا گذشته. قرن‌دل، کلندر هم آمده. و از فرقه‌ی قلندریه، دروایش قلندریه که با سر تراشیده و گاهی عریان به سر می‌برند و قصد ایشان رسیدن به خمول ذکر؛ یعنی، ترک تعلق و گمنامی و ناشناختگی است که خود نوعی فضیلت است و به ملامتی از این بابت نزدیکند ... » (مصفا، ۱۳۶۹، ص: ۱۱۴۲)

از دیگر تعریفات که برای این واژه شده است در معنای اصطلاحی به کسی که تجرید و تفرید از کونین داشته باشد و فرق او با ملامتی و صوفی آن باشد که در تخریب عادات و عبادات کوشد. (چند بهار، ص: ۱۶۳۶) همین تعریف را در فرهنگ آندراج نیز می‌خوانیم.<sup>۱</sup>

در « فرهنگ شمیم »، ذیل واژه‌ی قلندر آمده است: « قلندر: (ص.ا) درویش، شخص بی قید به دنیا (شمیم)، ۱۳۷۹، ج ۲، ص: ۸۰۵. « محمد خزائی »، می‌نویسد: « ... ولی بسیار احتمال دارد که ریشه‌ی « قلندر »، « گردنده » باشد. چه خوی این گونه مردم، گردش در شهرها و رفتن به این در و آن در بوده است و در فرانسه

<sup>۱</sup> ر.ک: فرهنگ آندراج، ج ۴، ص: ۳۲۸۱.

مأخوذ از ریشه‌ی لاتین به معنی گدایی کردن است و این لفظ «quemander» ، با قلندر قرابت لفظی و معنوی دارد ... » (خزائلی، ۱۳۶۳، ص: ۷۰۸)

در فرهنگ های قدیمی، لفظ «کلندر» به کار رفته است.

« کلندر، مردی بشکوه و قوی باشد و گویند امرد قوی بود.» (نخجوانی، ۱۳۵۵، ص: ۲۸۷)

« واعظ » ، عارف و شاعر قرن یازدهم، در مورد « قلندر » می‌نویسد: « در یک نسخه خطی فرهنگ اصطلاحات ملکی اینجانب در باب قلندر چنین آمده است: قلندر، آن که از هیچ چیز بیم ندارد و از متاع دو جهان، جز اشتها هیچش نباشد، در حال ارادت وی را گل مولا و مهر زخم شکسته و مسافر و نامراد (نسخه‌ی دیگر، مسافر نامراد) و کوچک ابدال خوانند. چون به درجت ارشاد رسد، نر روزگار، پخته‌ی عالم، شوریده‌ی روز و سرحلقه و مرد لنگری و تمام وصله و مفرد جهان و سوخته‌ی وقت و صاحب تخته پوست و مصاحب حق و دوست لاقیدش گویند. از بزرگان فن مسموع شد که « قلمدر » با میم صحیح است؛ یعنی، از قلم در رفته اند و در حساب مردم نیستند. حکماً این طایفه‌ی پریشان را موی زهار عالم کبیر گفته اند.» (واعظ، ۱۳۷۰، ص: ۱۴۶)

« عطار » ، در مثنوی « منطق الطیر » ، داستان عربی را می‌آورد که عبورش بر قلندر، می‌افتد، قلندریان او را به داخل می‌برند و هر چه داشت از او می‌گیرند و برهنه خارج می‌گردد، شخصی از او پرسید: احوال خود را بگو که بر تو چه گذشت. و در جواب می‌گوید:

گفت: « می‌رفتم خرامان در دهی	اوفتادم بر قلندر ناگهی
هیچ دیگر می‌ندانم نیز من	سیم و زر رفت و شدم ناچیز من
گفت: « وصف این قلندر کن مرا	گفت: وصف این است و بس: قال اندر آ

(منطق الطیر، ص: ۲۲۰)

یکی از حدس‌هایی که « دکتر شفیع کدکنی » ، در مورد ریشه‌ی این واژه زده اند، بی‌توجه به این داستان نیست. « از طریق « قلندر » و با توجه به صورت « کالندر » ، که در فرهنگ‌ها آورده اند، می‌توان حدس زد که « قا » ، جانشین « کا » بوده است: « کالندر » ... » (شفیع کدکنی، ۱۳۸۶، ص: ۴۴)

ایشان، همچنین، با توجه به ساخت ترکیبی واژه‌ی « کالنجر » ، که بنا به نوشته‌ی شادروان، « ادیب پیشاوری » ، در حاشیه‌ی « تاریخ بیهقی، تهران، ۱۳۰۷ هـ ق / ص: ۱۷۸ » ، مبنی بر اینکه « کالنجر » از دو جزء « کالن » (به معنی سیاه) و « جر » (به معنی کر؛ یعنی، قلعه) است. نوشته‌اند: « شاید بتوان گفت: که قلندر/کالنگر (با توجه به تبدیل (ndlng) بی‌ارتباطی به کالنجر (به معنی حصاری برای تباهی) نخواهد بود. در آن صورت ریشه‌ی هندی خواهد داشت.» (پیشین، صص: ۶-۴۵) همین کاربرد معنایی، حصاری برای تباهی، محور فعالیت قلندران را در عصر غزنوی مشخص می‌کند؛ یعنی، مبارزه در مقابل افزون‌خواهی و فساد شخصی پادشاهی چون محمود و ترکان بی‌بند و بار. نوعی طنز اجتماعی را این ساختار معنایی به دوش می‌کشد.

« قلندر »، همان طور که محققان نوشته اند، تا قرن هفتم، اسم مکان بوده است و بعداً طبق قانون زبانی صرف انرژی کمتر در گفتار یا همان اقتصاد زبانی، « قلندری » که به پیروان این مکان اطلاق می شد جای خود را به قلندر می دهد.

### ۱-۱-۲ مؤسس قلندریه چه کسی بوده است؟

« کسی که سلسله ای به نام « قلندریه »، تأسیس کرد، « شیخ جمال الدین ساوجی » بوده، که در حدود سنه ی « ۶۲۰ » در دمشق، رسم تراشیدن موی سر و ابرو را بنیاد نهاد و « محمد بلخی » که شاگرد و پیرو او بوده رسم پوشیدن جوال آن را بر آن افزود و از اینجاست شهرت آنها به جولقی و جوالقی. احوال این شیخ جمال را « صفدی » در « الوافی بالوافیات » و « مقریزی » در « الخطط » نقل کرده اند و یک مناقب نامه ی منظوم هم در حدود سال « ۷۴۸ » راجع به داستان او هست که نسخه یی از آن را مرحوم « ریتز » در کتابخانه ی « لالا اسمعیل » نشان می دهد. درین منظومه که حیات شیخ قلندران به رنگ افسانه یی عامیانه در آمده است. قلندران، همچون کسانی توصیف شده اند که ترک این عالم می گویند، و چهار تکبیر بر هر چه که هست می زنند:

« بیا تا دست از این عالم بشویم / قلندر وار تکبیری بگویم. » (زرین کوب، ۱۳۸۵، ص: ۳۶۴)

علت تراشیدن موی سر، ریش و ابرو از سوی « شیخ جمال الدین »، در ضمن داستانی در سفرنامه ی « ابن بطوطه »، نقل گردیده است، که زنی اهل ساوه بر « شیخ جمال الدین »، شیفته می شود و به واسطه ی عجزه ای با گروه کنیزکانش بر شیخ وارد می شوند. شیخ که وضع را این گونه می بیند، رخصت می خواهد که به طهارت خانه رود و در آنجا با استره، موی ریش و سبیل و ابرو را می تراشد تا از چشم زن شهوت ران بیفتد، خداوند شیخ را بدین وسیله از ارتکاب گناه نگاه می دارد و از آن پس، به همان، وضع باقی می ماند و پیروانش نیز، تراشیدن سر و ریش و ابرو را بین خود مرسوم کردند. (ابن بطوطه، ۱۳۵۹، ص: ۲۶)

« کسانی که از آنها به عنوان مؤسس فرقه ی قلندریه، نام برده شده است، ظاهراً فقط، مظاهر قابل توجهی از این فلسفه و طرز ادراک حیات به شمار می روند. در این مورد می توان به طور یقین از « قلندر یوسف » که ظاهراً یک عرب اندلسی بوده است و از او غالباً به عنوان مؤسس قلندریه، یاد شده است و همچنین از « شیخ جمال الدین ساوجی » که طبق روایت « ابن بطوطه » در « دمیاط » اقامت گزیده و در همانجا نیز وفات یافته است، نام برد. (مرتضوی، ۱۳۶۵، صص: ۲-۱۲۱) آقای مرتضوی، منشأ قلندران را از آسیای مرکزی می داند و در این باره می نویسد: « به نظر می رسد که منشأ قلندریه از آسیای مرکزی باشد و تأثیر شدید عقاید و روش های هندی در رفتار و افکار قلندران ظاهر است. و به نقل از مقریزی می نویسد: « ورود قلندران به ممالک عربی در حدود چهار صد سال پیش از زمان او صورت گرفته است و نخستین قلندران به سال ( ۶۱۰ هـ / ۱۲۱۳ م) در دمشق دیده شده اند. قلندریان در سر تا سر ایران پراکنده بودند و ظاهراً مهم ترین دسته ی قلندریه (لا اقل تا سده ی هفدهم میلادی) در اردبیل، منشأ صفویه، تشکیل یافته است. » (پیشین، ص: